



درس ششم
فداکاران
فصل سوم



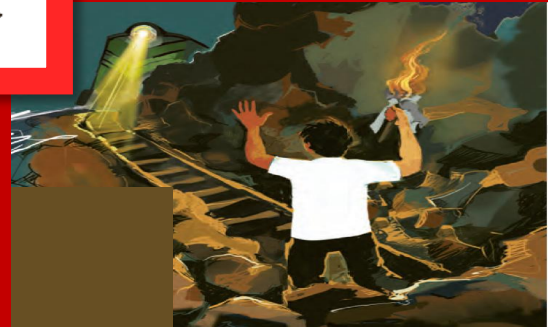
فداکاران



همیشه انسان‌های بزرگ و فداکاری هستند که برای نجات جان دیگران یا ملک به هم نوعان، جان خود را به خطر می‌اندازند؛ به همین سبب نام و یاد این افراد فداکار، در ذهن مردم، جاودانه می‌ماند.

از این گونه انسان‌های بزرگ و افتخار آفرین، در هر کشوری، بسیار هست. در کشور بزرگ ایران نیز مردان و زنان، حتی کودکان و نوجوانان فداکار، فراوانند. زندگی این انسان‌ها، سرمشق و چراغ راه ماست.

آیا تاکنون نام شهید سهام ختام، شهید محمدحسین فهمیده، ریزعلی خواجوی و حسن امیدزاده را شنیده‌اید؟




محمد حسین فهمیده، نوجوان فداکاری بود که نارنجک به کمر بست و در زیر زنجیرهای تانک دشمن، جان خود را فدا کرد تا از پیشروی آنان به سوی خاک ایران جلوگیری کند. هنگامی که خبر شهادت دلیرانه‌ی او پخش شد، امام خمینی «قُدَسَ سِرَّةً» فرمودند: «رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت.»






سہام خٹام، دختر دوازده سالہ ای بود کہ در شہر ہویزہ زندگی می کرد. او دختری درس خوان و باہوش بود. سہام دورہی دبستان را با موفقیت بہ پایان رساند و با اشتیاق در کلاس اول راہنمایی ثبت نام کرد؛ ولی بہ علت آغاز جنگ تحمیلی و اشغال شہر، نتوانست بہ مدرسہ برود. سہام از اینکہ شہر و مدرسہ اش را در چنگ دشمن می دید، آرام و قرار نداشت و با پرتاب سنگ، دشمن را آزار می داد. سرانجام در پانزدہم مہر ماہ ۱۳۵۹، رگبار گلولہی اشغالگران، سہام را بہ آغوش خدا رساند.



در غروب یک روز سرد پاییزی، وقتی ریزعلی
خواججوی از مزرعه به خانه برمیگشت، متوجه شد که بر
اثر ریزش کوه، مسیر حرکت قطار، بسته شده است.
در این هنگام، صدای آمدن قطار، در کوه پیچید.
ریزعلی به سرعت، پیراهنش را به چوب دستی
بست، نفت فانوسی را که به دست داشت، روی

آن ریخت و آتش زد و به سمت قطار دوید. راندهی قطار، با دیدن آتش،
قطار را نگه داشت و جان مسافران قطار از مرگ حتمی، نجات یافت.



حسن امیدزاده، معلم فداکاری بود که در یک واقعه‌ی آتش‌سوزی، جان دانش‌آموزان را نجات داد. وقتی بخاری کلاس، آتش گرفت و دودکش آن افتاد، دانش‌آموزان در میان شعله‌های آتش و دود، گرفتار شدند. این معلم شجاع و فداکار، جان خود را به خطر انداخت و عده‌ای از دانش‌آموزان را نجات داد.

درست و نادرست



۱ ریزعلی چیزی برای آتش زدن نداشت. ❌

۲ حسن امیدزاده، اهل هویزه بود. ❌

درک مطلب



۱ رفتار شهید خیام و شهید فهمیده، چه شباهتی با هم داشتند؟

۲ غیر از افرادی که نام آن‌ها در درس آمده، چه کسانی را می‌شناسی که با فداکاری

خود، به دیگران کمک کرده‌اند؟

۳



۱ هر دو جان خود را برای دفاع از خاک ایران فدا کردند.

۲ امید عباسی (آتش نشان)، عباس بابایی (خلبان)،

۳ سوال ۳. چرا امام خمینی، حسین فهمیده را رهبر می دانست؟

چون نارنجک به کمر بسته بود و خود را زیر تانک دشمن انداخت و جان خود را فدا کرد تا از پیشروی دشمنان به سوی خاک ایران جلوگیری کند.

واژه آموزی

کش +



با افزودن پسوند **کش** به کلمات، آن کلمه ی معنای جدیدی به خود می گیرد.

دودکش

خطکش

نفتکش



جاهای خالی را کامل کنید.



..... وسیله ای که هوا را جا به جا می کند.

..... وسیله ای که دود را جا به جا می کند

دودکش : وسیله ای

بارکش: وسیله ای

خط کش: وسیله ای



جاهای خالی کامل کنید.



هواکش: وسیله ای که هوا را جا به جا می کند.

دودکش: وسیله ای که دود را جا به جا می کند.

دودکش : وسیله ای که دود را جا به جا می کند.

بارکش : وسیله ای که بار را جا به جا می کند.

خط کش: وسیله ای که با آن خط می کشند.



پیاموز و بگو

زمان گذشته



زمان گذشته



همانطور که در درس قبل
گفتیم، برای بیان کارهایی که
در گذشته انجام داده ایم، از
جمله هایی با فعل های
گذشته استفاده می کنیم.

جمله زمان گذشته را به زمان حال و زمان حال را به گذشته تبدیل کنید.

زمان گذشته

• سارا با خانواده اش به کرمان سفر کردند.

• علی و محمد هر روز فوتبال بازی می کنند.

• او تمام تکالیفم را انجام داد.

• من با مادر و خواهرم به شهر بازی رفتیم.

• نازنین کتاب های علمی زیادی می خواند.



جمله زمان گذشته را به زمان حال و زمان حال را به گذشته تبدیل کنید.

زمان گذشته

- سارا با خانواده اش به کرمان سفر کردند.
- سارا با خانواده اش به کرمان سفر می کنند.
- علی و محمد هر روز فوتبال بازی می کنند.
- علی و محمد دیروز فوتبال بازی کردند.
- او تمام تکالیفش را انجام داد.
- او تمام تکالیفش را انجام می دهد.
- من با مادر و خواهرم به شهر بازی رفتیم.
- من با مادر و خواهرم به شهر بازی می رویم.
- نازنین کتاب های علمی زیادی می خواند.
- نازنین کتاب های علمی زیادی خوانده است.

